

ساختار روابط انسانی در خانواده و گرایش به مهاجرت

باقر ساروخانی^{۱*}، اسماعیل جهانی دولت‌آباد^۲

(تاریخ دریافت ۸۷/۱۰/۱۶، تاریخ پذیرش ۸۸/۲/۵)

چکیده

مقاله حاضر سعی دارد پدیده گرایش به مهاجرت را در ارتباط با نهاد خویشاوندی مورد بررسی قرار دهد. کمتر محقق این پدیده را از منظر رابطه آن با شبکه خویشاوندی بررسی کرده است. بر همین اساس، بر آن شدیم تا در این مقاله، از منظری خاص و جدید، به مسأله فرار مغزها نگاه کنیم و نقش بازدارنده و یا تسهیل کننده خانواده و روابط خویشاوندی در امر مهاجرت تحصیل کرده‌ها را مورد بررسی قرار دهیم. در مقاله حاضر از رهیافت نظری «کارکردگرایی ساختاری» و همچنین از تئوری «فاصله اجتماعی» بهره برده‌ایم. بنابراین، برخلاف رویکردهایی که مهاجرت نیروهای متخصص از کشور را ناشی از وجود برخی عوامل کششی در کشورهای مقصد می‌دانند، مقاله حاضر این امر را بیشتر ناشی از ناکارآمدی ساختارهای جامعه می‌داند. برای تحلیل این ناکارآمدی ساختاری در سطح نظام خویشاوندی، از تئوری فاصله اجتماعی استفاده شده است. با استفاده از این تئوری می‌توان گفت که با بیشتر شدن فاصله اجتماعی میان افراد خویشاوند، نفوذ متقابل آنها بر همدیگر کاهش یافته و در نتیجه

* sarokhani@ut.ac.ir

^۱. استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

^۲. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

نظام خویشاوندی آن، کنترل سنتی خود بر فرد را از دست می‌دهد، و همین عدم وابستگی و همبستگی فرد با خویشانش، زمینه‌ای را فراهم می‌سازد تا او به محض رویارویی با مشکلات و یا مهیا شدن امکانات سفر، اندیشه خروج از کشور و اقامت در نقطه‌ای دیگر از جهان را در سر بپروراند. در این پژوهش از روش پیمایش استفاده شده است. جامعه آماری را دانشجویان رشته‌های انسانی (علوم اجتماعی) و فنی (مهندسی برق) دانشگاه تهران تشکیل می‌دهند. جمع‌آوری داده‌ها نیز از طریق پرسشنامه و در قالب طیف لیکرت انجام گرفته است. یافته‌های تحقیق بیانگر این امر هستند که میان چهار متغیر اصلی، یعنی وسعت نظام خویشاوندی، گستره روابط خویشاوندی، فراوانی روابط خویشاوندی و عمق روابط خویشاوندی، و متغیر گرایش به مهاجرت از کشور، رابطه‌ای معنی‌دار و معکوس وجود دارد. همچنین، از بین چهار متغیر مستقل، دو متغیر «گستره روابط خویشاوندی» و «عمق روابط خویشاوندی» رابطه‌ای معنی‌دار با متغیر گرایش به مهاجرت داشته‌اند. به عبارت بهتر، افرادی که روابط بیشتر و صمیمی‌تری با خویشان خود دارند، گرایش کمتری به مهاجرت از کشور از خود نشان می‌دهند.

واژگان کلیدی: مهاجرت، فرار مغزها، شبکه خویشاوندی، وسعت شبکه خویشاوندی، گستره روابط خویشاوندی، فراوانی روابط خویشاوندی، عمق روابط خویشاوندی.

مقدمه

مهاجرت، پدیده‌ای است که سازمان اجتماعی مبدأ و مقصد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (صالحی، ۱۳۷۱: ۱۴). معضل فرار مغزها^۱، مدتی مدیدی است به یکی از بحث‌هایی تبدیل شده که درباره آن سخن فراوان می‌رود. تقریباً همه صاحب‌نظران از پدیده فرار مغزها ابراز نگرانی کرده و اثرات آن را زیانبار و تاسف‌آور خوانده‌اند و از سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران دعوت کرده‌اند تا به اتخاذ سیاست‌ها و اجرای برنامه‌های مختلف، به جلوگیری از ادامه این روند

1. Brian Drain

ساختار روابط انسانی در خانواده و ... باقرساروخانی و همکار

بپردازند.^۱ آمار و ارقامی که سازمان‌های مختلف در مورد پدیده مهاجرت نخبگان ارائه داده‌اند، شدت و حدت این مسأله را به خوبی نشان می‌دهد.

«از حدود صد هزار نفر ایرانی مقیم در آلمان و صد هزار نفر دیگر در فرانسه، حدود ۶۰ درصد آنها دارای تحصیلات عالی هستند» (موسوی زارع، ۱۳۷۸: ۷۶). «براساس بررسی‌های انجام شده، ۴۶ درصد از شانزده هزار ایرانی مهاجر، که اطلاعات نسبتاً کافی در مورد آنها موجود است، تحصیلات عالیه دارند. به طوری که ۱۹/۵ درصد از آنها دارای مدرک دکتری، ۹ درصد دکتری پزشکی، ۸ درصد فوق لیسانس و ۹/۵ درصد دارای مدرک لیسانس هستند و بقیه، گروه متفرقه‌ای است که شامل افراد صاحب حرف و سرمایه‌داران هستند» (موسوی زارع، ۱۳۷۸: ۷۱). «بیشتر برندگان ایرانی جوایز المپیادهای علمی، اکنون در بهترین دانشگاه‌های آلمان، انگلیس و آمریکا مشغول هستند و اندیشه بازگشت به ایران را ندارند. (موسوی زارع، ۱۳۷۸: ۷۱)

ارقام و آمارهای فوق، تنها بیانگر بخشی از فرایند هولناکی است که تحت عناوین مختلفی چون فرار مغزها، مهاجرت نخبگان، مهاجرت نیروهای متخصص و... از آن یاد می‌شود. تحقیقات و مطالعات زیادی در زمینه علل و عوامل گرایش تحصیل‌کردگان به مهاجرت از کشور انجام گرفته است، که بیشتر به بیان مجموعه‌ای از عوامل تأثیرگذار بر پدیده مذکور، به طور کلی، پرداخته‌اند و اکثر این تحقیقات به فهرستی عموماً طولانی از علل گرایش به مهاجرت منتج گردیده است. اما به نظر می‌رسد پژوهش‌های انجام گرفته برای روشن ساختن ابعاد مختلف این پدیده کافی نبوده‌اند، زیرا برای رسیدن به این هدف لازم است هر یک از ابعاد و علل مختلف پدیده مهاجرت نخبگان به گونه‌ای جدا و به صورت یک موضوع پژوهش مورد بررسی قرار گیرد.

بر همین اساس، بر آن شدیم تا در تحقیق حاضر از منظری خاص و جدید به مسأله فرار مغزها نگاه کنیم و نقش بازدارنده و یا تسهیل‌کننده خانواده و روابط خویشاوندی در امر مهاجرت تحصیل‌کرده‌ها را مورد بررسی قرار دهیم. اهمیت و ضرورت تحقیق خانواده، نهادی

۱. مأخذ: <http://www.sharghnewspaper.ir/831006/html/scienc.htm>

است که در شکل‌گیری بسیاری از تصمیمات فردی در زمینه‌های مختلف، بیشترین و عمیق‌ترین تأثیر را دارد؛ زمینه مهاجرت نیز از این قاعده مستثنی نیست. بر همین اساس، بررسی تأثیر این نهاد (خانواده) بر گرایش افراد به مهاجرت، هم به لحاظ شناختی و هم به لحاظ کاربردی، از اهمیت بالایی برخوردار است. از لحاظ شناختی، همانطور که در بالا گفته شد، رابطه بین شبکه خویشاوندی و گرایش به مهاجرت از کشور، کمتر مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته و بنابراین پرداختن به این موضوع، می‌تواند ما را در شناخت بیشتر و بهتر این رابطه یاری نماید.

ضرورت کاربردی چنین پژوهشی از اینجا ناشی می‌شود که، اگر وجود رابطه‌ای معنی‌دار میان انسجام خویشاوندی و گرایش به مهاجرت در بین تحصیل‌کردگان اثبات گردد، بدیهی است که می‌توان با گنجاندن برنامه‌هایی خاص در دستور کار سازمانهای زیربط، در راستای تقویت انسجام خویشاوندی، تا حدی به ماندگاری متخصصان و تحصیل‌کردگان در داخل کشور کمک نمود. همین امر تا اندازه زیادی می‌تواند ضرورت و اهمیت این بررسی را روشن سازد.

مبانی نظری

با توجه به اینکه تاکنون هیچ تحقیقی در زمینه ارتباط میان شبکه‌های خویشاوندی و گرایش به مهاجرت انجام نگرفته، و نیز هیچ نوع نظریه‌ای پیرامون رابطه میان این دو پدیده تدوین نگردیده است، بنابراین بررسی حاضر، اولین مطالعه‌ای است که در زمینه رابطه بین نظام‌های خویشاوندی و گرایش به مهاجرت انجام می‌گیرد، و در نتیجه، ما ناچاریم ادبیات نظری خود را به تئوری‌هایی محدود کنیم که به موضوع مهاجرت نخبگان به طور کلی پرداخته‌اند. تئوریهایی که تاکنون برای بررسی پدیده مهاجرت نخبگان مورد استفاده قرار گرفته اند، را می‌توان در چهار گروه تئوری‌های روان‌شناختی، جمعیت‌شناختی، جامعه‌شناختی و اقتصادی مهاجرت دسته‌بندی نمود.

نظریه‌های‌های روان‌شناختی

برخی از اندیشمندان، مهاجرت نخبگان و متخصصین را ناشی از عوامل روانشناختی می‌دانند. برای مثال، افرادی همچون استارک و ونگ فرار مغزها را در چهارچوب تئوری محرومیت نسبی مورد بررسی قرار داده‌اند. این دو معتقدند مهاجرت یک رفتار تصادفی نیست، بلکه پاسخی است برای رفع محرومیت؛ اما همه مردم به نوعی دچار محرومیت هستند. از این رو صرف وجود برخی محرومیت‌ها موجب مهاجرت نمی‌شود. در صورت مساوی بودن شرایط دیگر، محرومیت از هدف‌هایی که با ارزش‌ترند، بیش از محرومیت از هدف‌هایی که ارزش کمتری دارند، در تصمیم به مهاجرت موثرند. مهاجرت، پاسخ نهایی به محرومیت‌های نسبی است.

در نقد این تئوری می‌توان گفت که در عمل، ما شاهد مهاجرت متخصصان و افرادی هستیم که حتی اگر در کشور می‌ماندند، می‌توانستند حقوق، مزایا و شرایط مناسب‌تری نسبت به دیگران داشته باشند و این گروه، نه به خاطر احساس محرومیت نسبی، بلکه به دلایل دیگری همچون پیشرفت و ترقی‌خواهی، نوجویی و برخی مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مهاجرت می‌کنند.

نظریه‌های جمعیت‌شناختی

یکی از مهمترین نظریه‌های جمعیت‌شناختی مهاجرت، نظریه جذب و دفع است. این نظریه در سال ۱۹۴۱ توسط دروتی توماس^۱ عنوان گردیده‌است. این فرضیه معتقد به تبیین مهاجرت با توجه به عدم تعادل اجتماعی-اقتصادی میان مبدأ و مقصد است و بر دفع افراد بوسیله عواملی در مبدأ و جذب آنان با عوامل دیگری در مقصد تأکید دارد. (جانسن^۲، ۱۹۶۹: ۶۳). در نقد این تئوری می‌توان گفت که، آنچه در این تئوری مطرح است، خیلی ساده‌انگارانه بوده و به نظر می‌رسد با استفاده از یک دوگانگی ساده جذب و دفع نمی‌توان تبیین کاملی از پدیده مهاجرت نخبگان بدست داد.

1. D.Thomas
2. Jansen

تئوری جمعیت‌شناختی دیگر در زمینه مهاجرت، تئوری راونشتاین^۱ است. او در جهت قانونمند ساختن مهاجرت تلاش کرده است. اگر چه راونشتاین معتقد است قانونمندی در مهاجرت به دقت قوانین فیزیکی نیست ولی تاکنون مقالات راونشتاین همچنان در بونه آزمایش ایستادگی می‌کنند. در ارزیابی قوانین ذکر شده از راونشتاین باید گفت که غالباً چنین قواعد و نظمی در کشورهای توسعه یافته مصداق داشته، در حالی که به همین صورت قابلیت تعمیم در دیگر کشورها را دارا نیست و در نتیجه به جای قانون، اطلاق واژه «روند» به آنها مناسب‌تر است (قاسمی، ۱۳۷۲).

نظریه‌های جامعه‌شناختی

نظریه نقش: مفهوم نقش، در سطح فردی و در آسانترین معنی، می‌تواند بر نقش‌های مختلفی که یک نفر در زندگی روزمره خود ایفا می‌کند، دلالت داشته باشد. در رابطه با جامعه، نقش‌ها با مشخص ساختن حقوق، وظایف یا تکالیف، جریمه‌ها، تسهیلات و... به هدایت انتخاب‌ها و اقدامات کسانی که عهده‌دار آن نقش‌ها هستند، کمک می‌کنند. البته باید توجه داشت که تعداد نقش‌ها در جوامع صنعتی امروز ممکن است مشکلات بسیاری را به دنبال داشته باشد. در یک جامعه صنعتی، یک نفر ممکن است نقش‌های گوناگونی را همزمان انجام دهد، و به همین جهت با تقاضاهای متناقضی روبه‌رو شود. شخصی که در چنین وضعی است ممکن است نتواند نقش خود را ایفا کند (کوهن، ۱۳۷۰: ۶۱).

بنابراین، نقش‌های اجتماعی و ایفای وظایف و تکالیف متعدد و در مواردی متناقض باهم، می‌تواند در بروز مشکلاتی در روابط اجتماعی مؤثر باشد. می‌توان فرض کرد یکی از دلایلی که موجب ایجاد انگیزه مهاجرت در افراد می‌گردد، عدم وجود قدرت ایفای نقش‌های گوناگون توسط آنان باشد. البته، باید توجه داشت که تئوری نقش، گرچه می‌تواند رهنمودهایی در مورد علل گرایش افراد یک جامعه به مهاجرت از آن ارائه دهد، اما این تئوری قادر به نشان دادن آن فرایندهای ساختاری و سطح کلانی که گهگاه افراد را به مهاجرت از کشور وادار می‌کند، نیست.

1. Ravenstein

نظریه کنترل نظارت: کنترل اجتماعی، مجموع وسایل و شیوه‌هایی است که با استفاده از آنان، یک گروه یا یک واحد اعضای خود را به پذیرش رفتارها، هنجارها یا قواعدی در سلوک و حتی آداب و رسوم منطبق با آنچه گروه مطلوب تلقی می‌کند، سوق می‌دهد. به عبارتی، کنترل اجتماعی، جهت تنظیم حیات اجتماعی به اعمال فشاری می‌انجامد که به هم پیوستگی و یکپارچگی گروهی را به مناسبت الزامی بودن قواعد و هنجارها موجب می‌آید (ساروخانی، ۱۳۶۶، ص ۳۴۸).

هر جامعه با نظام ارزشی مسلط و محیطش شناخته می‌شود (جانسون، ۱۳۵۸). اگر برخی افراد جامعه آماری مورد نظر این پژوهش نتوانند خود را با شیوه‌های رفتاری و مقررات حاکم بر محیط که ناشی از نظام ارزشی مسلط است، تطبیق دهند، چه تصمیمی باید بگیرند؟ می‌توان حدس زد که باید تغییر ایجاد کنند، یا در نظام ارزشی مسلط یا در محیط. تغییر در نظام ارزشی و نظام هنجاری ناشی از آن احتمالاً غیرممکن بوده و از حیطة قدرت آنان خارج است. لاجرم باید محیط را تغییر دهند و یا به محیطی بروند (مهاجرت کنند) که با نظام ارزشی و هنجارهای رایج آن بیشترین سازگاری را داشته باشند. بنابراین، مهاجرت می‌تواند واکنشی در مقابل شیوه‌های کنترل و نظارت اجتماعی تلقی گردد.

نظریه تضادگرایانه: از نظر رهیافت تضادگرایانه، مهاجرت در ارتباط با نابرابری در توسعه تعیین می‌گردد. مهاجرت، از یک سو معلول توسعه نابرابر و از سوی عامل گسترش و تعمیق این توسعه نابرابر تلقی شده است (لهسایی زاده، ۱۳۶۸). طرفداران الگوی ملی‌گرا معتقدند که تحلیل منافع و زیان مهاجرت بین‌المللی نیروی انسانی ماهر، شبیه تحلیل منافع و زیان تجارت بین‌المللی است (صالحی، ۱۳۷۱: ۲۶). در این نظریه، براساس شیوه‌ها و مناسبات تولیدی و نظریه‌های مربوط به توسعه نظام سرمایه‌داری و در نهایت امپریالیسم، عمدتاً به عوامل برونزای مهاجرت افراد متخصص از کشورهای در حال توسعه توجه شده است، و مبانی تحلیل این عوامل تلقی می‌گردند (طایفی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۲).

نقدی که بر نظریه‌های مارکسیستی وارد است، این است که این نظریات، عملکرد و نقش عوامل ساختاری موجود در داخل کشور فرستنده و تأثیر آنها بر مهاجرت متخصصان را نادیده

می گیرند و تنها به روابط سرمایه دارانه و استعماری توجه می کنند.

نظریه باز یافت مغزها^۱: این رویکرد بر این عقیده استوار است که مهاجرت مهارت ها ممکن است به معنی سرمایه گذاری بالقوه باشد و نه از دست دادن آنها. مهندسان و دانشمندان که به خارج مهاجرت می کنند، به عنوان منابع انسانی آموزش یافته، در فعالیت حرفه ای و در شرایط بهتر از آنچه که در کشور مبدأشان به آنها ارائه می شده، مشغول می شوند. اگر کشور مبدأ، بتواند از این منابع که بوسیله سرمایه های دیگران شکل گرفته و کامل گشته است، استفاده کند، نسبت به قبل چیزهای بیشتری به دست خواهد آورد (براون و مایر^۲، ۱۹۹۹). رویکرد باز یافت مغزها، تنها یک بعد از قضیه مهاجرت مغزها را مد نظر قرار داده و تحلیل خود را براساس آن ارائه کرده است. این رویکرد بدون آنکه به آن عده از افراد متخصص و ماهر که برای همیشه در کشور میزبان اقامت می کنند، توجهی بکند و نتایج و اثرات آن را مورد نظر قرار دهد، مهاجرت نخبگان را یکجا منفی و زیانبار تلقی می کند (کوهن، ۱۹۹۹).

نظریه نظام جهانی^۳: نظریه های جامعه شناسختی که براساس اندیشه والرشتاین پایه ریزی شده اند، منشأ مهاجرت بین المللی و مهاجرت متخصصان را به ساختار بازار جهانی که از قرن ۱۶ توسعه و گسترش یافته مربوط می دانند. در این طرح نفوذ روابط اقتصادی سرمایه داری در جوامع پیرامونی غیرسرمایه داری، جمعیت متحرکی به وجود می آورد که مستعد مهاجرت به خارج از کشور هستند. این نظریه، حرکت نیروهای انسانی از کشورهای توسعه نیافته ای که حالت استعماری نداشته اند را در نظر نمی گیرد و چگونگی تحلیل مهاجرت نیروهای انسانی از کشورهای توسعه یافته ای مثل کانادا و برخی کشورهای اروپایی به ایالات متحده آمریکا براساس چارچوب ارائه شده را، بیان نمی کند. همچنین این رویکرد، درست مثل سایر رویکردهایی که مبنای مارکسیستی دارند، مهاجرت سرمایه انسانی را دارای نتایج ناخوشایند برای کشورهای در حال توسعه می داند.

1. Brain Gain Theory
2. Brown and Meyer
3. World System

نظریه‌های اقتصادی

نظریه اقتصاد نئوکلاسیک: طبق این نظریه، مهاجرت بین‌المللی همانند مشابه داخلی آن (مهاجرت ملی)، بوسیله اختلاف جغرافیایی عرضه و تقاضای کار بوجود می‌آید. در کشورهای دارای نیروی عظیم کار در مقابل سرمایه کم، دستمزدها در بازار کم است، در حالی که کشورهای دارای محدودیت نیروی کار نسبت به سرمایه (سرمایه بیشتری در مقایسه با نیروی کار دارند) دستمزدهای بالاتری در بازار کار دارند. اختلاف دستمزد نیروی کار باعث می‌شود کارگران، از کشورهای با دست مزد کم به کشورهای با دستمزد زیاد حرکت کنند. در نتیجه این حرکت، عرضه کارگران در کشورهای فقیر از نظر سرمایه (فقر سرمایه)، کاهش می‌یابد و با کاهش عرضه، دستمزدها افزایش می‌یابد. کمیابی نسبی سرمایه در کشور فقیر نرخ بازدهی را به بار می‌آورد که با توجه به استانداردهای بین‌المللی زیاد است و سرمایه را جذب می‌کند (مسی، ۱۳۶۴: ۸۴).

نظریه اقتصاد جدید مهاجرت: برخلاف نظریه اقتصاد نئوکلاسیک، اقتصاد جدید مهاجرت معتقد است تصمیمات مهاجرتی بوسیله هر یک از افراد به تنهایی گرفته نمی‌شود، بلکه واحدهای بزرگتر - نوعاً خانواده و خانوارها - چنین تصمیمی می‌گیرند که در آن افراد، نه فقط برای بیشینه کردن درآمد مورد انتظار، بلکه همچنین برای کاهش دادن خطرات و محدودیتهای ناشی از شکست‌های گوناگون بازار، بجز آنهایی که در بازار کار وجود دارد، به طور جمعی عمل می‌کنند.

نظریه عرضه و تقاضا: از دید این نظریه‌پردازان، جریان مهاجرت افراد ماهر بوسیله عوامل مختلفی تعیین شده و تحت تأثیر قرار می‌گیرد:

اول: در بعد عرضه، دانش و علم نسبت به قبل، بین‌المللی و جهانی‌تر شده و بازار علم و عالم فراملی شده است.

دوم: در بعد تقاضا، درخواست افراد ماهر با تجربه و دانش بین‌المللی در حال رشد و گسترش دائمی است. کمبودهای محلی در مورد تجارب و تخصص‌های خاص، اصلی‌ترین محرک برای تقاضای از خارج است (محروم^۱، ۲۰۰۰).

چارچوب نظری تحقیق

در پژوهش حاضر از دو رهیافت نظری، یکی در سطح کلان و دیگری در سطح خرد، استفاده شده است. تئوری سطح کلانی که رویکرد کلی این مقاله را نسبت به پدیده مهاجرت نخبگان نشان می دهد، تئوری «کارکردگرایی ساختاری» است، و تئوری دیگری که برای بررسی رابطه نظام خویشاوندی و گرایش به مهاجرت مورد استفاده قرار گرفته، تئوری «فاصله اجتماعی» است.

مفهوم فاصله اجتماعی دارای ابعاد پیچیده اجتماعی- روانشناختی است. این مفهوم، نخستین بار توسط گنورگ زیمل^۱ جامعه شناس آلمانی به کار گرفته شد، اما کاربرد وسیع آن در پژوهش های جامعه شناسی مرهون رابرت پارک^۲ جامعه شناس مشهور آمریکایی است (ملک، ۱۳۷۴: ۲۸).

مفهوم فاصله اجتماعی، به درجه نزدیکی میان گروه ها و افراد مربوط است و درجه نزدیکی و نفوذی را که هر کس بر دیگری اعمال می کند، اندازه گیری می کند. در مجموع فاصله اجتماعی نه یک نیروی پرخاشگر، بلکه یک نیروی محافظه کار است (کوزر، ۱۳۷۳: ۴۸۱). هر چه فاصله اجتماعی افراد و گروه ها بیشتر باشد، میزان نفوذ متقابل آنها کمتر می شود.

بر پایه رویکردهای نظری مذکور، به طور کلی ادعای اصلی این مقاله بر این فرض استوار است که، برخلاف رویکردهایی که مهاجرت نیروهای متخصص از کشور را ناشی از وجود برخی عوامل کششی در کشورهای مقصد می دانند، این امر بیشتر ناشی از ناکارآمدی ساختارهای جامعه ماست، به عبارت دیگر، ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی در ایران کنونی کارکردها و وظایف خود را به خوبی انجام نمی دهند و همین امر موجبات گرایش نیروهای متخصص به خروج از کشور را فراهم می سازد.

اما همانطور که اشاره شد، در این تحقیق مهمترین دغدغه محقق، دستیابی به نقش شبکه خویشاوندی، به عنوان مهمترین عنصری که در تحقیقات پیشین کمتر بدان اشاره شده است، می باشد. بنابراین لازم است ناکارآمدی ساختاری را که در بالا بدان اشاره شد، در سطح نظام

1. G. Zimmel
2. R. Park

خویشاوندی مورد بررسی قرار دهیم. به منظور نیل به این هدف، از تئوری فاصله اجتماعی استفاده شده است. فرض ما بر این استوار است که، با ورود جامعه به دوران مدرن یا به عبارت بهتر، در مرحله گذار از سنت به مدرنیته، شبکه‌های خویشاوندی همانند سایر نهادهای اجتماعی دچار تغییرات اساسی در ابعاد مختلف شده‌اند. در عین حال، مهمترین بعد این تغییرات، متوجه فاصله اجتماعی میان افراد خویشاوند بوده است. طبیعی است که با بیشتر شدن فاصله اجتماعی میان افراد، نفوذ متقابل آنها بر همدیگر کاهش یافته و در نتیجه، نظام خویشاوندی، کنترل سستی خود بر فرد را از دست داده است. فرد، دیگر همانند گذشته به خانواده و خویشان وابسته نیست و همین عدم وابستگی و همبستگی فرد با خویشان، زمینه‌ای را فراهم ساخته تا او به محض رویارویی با مشکلات و یا مهیا شدن امکانات سفر، اندیشه خروج از کشور و اقامت در نقطه‌ای دیگر از جهان را در سر بپروراند.

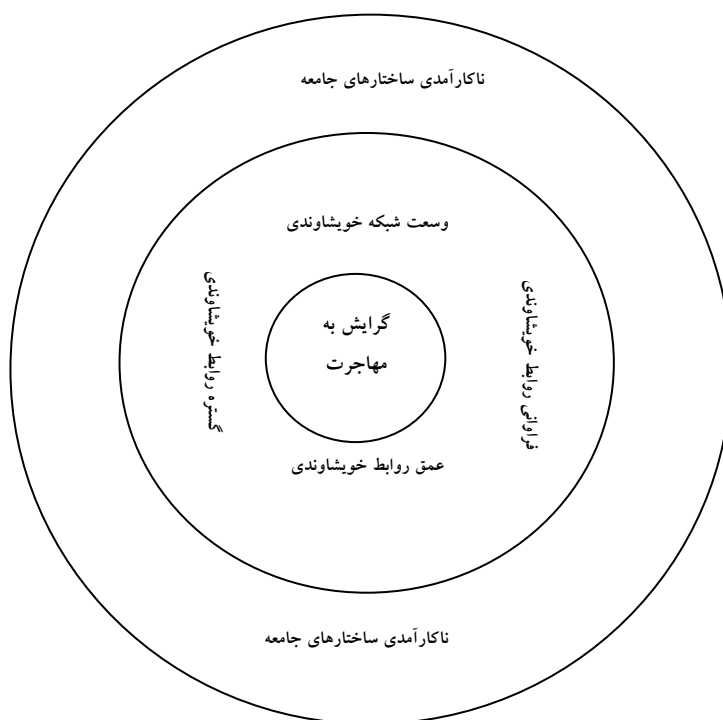
بنابراین، پژوهش حاضر علل گرایش تحصیل‌کردگان ایرانی به مهاجرت از کشور را در رابطه با ناکارآمدی ساختاری، بویژه در حوزه خانواده و روابط خویشاوندی، جستجو می‌کند و فرضیه اساسی آن این است که افزایش فاصله اجتماعی بین افراد خویشاوند، یا به عبارت دیگر، کاهش انسجام خویشاوندی، زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که در آن افراد به راحتی در اندیشه مهاجرت از کشور افتاده و در صورت مهیا بودن امکانات سفر، تصمیم خود را عملی می‌سازند. با الهام از این چارچوب نظری، فرضیه‌ها و مدل تحلیلی تحقیق به صورت زیر ارائه می‌شود:

فرضیات تحقیق

«افرادی که شبکه خویشاوندی وسیعی دارند، گرایش کمتری به مهاجرت از کشور دارند.»
«افرادی که با تعداد بیشتری از خویشان خود رابطه دارند، گرایش اندکی به مهاجرت از کشور دارند.»

«افرادی که رابطه بیشتری با هر کدام از خویشان‌شان دارند، گرایش کمتری به مهاجرت از کشور دارند.» (تحلیل کمیت)

«افرادی که روابط عمیق و صمیمی با خویشاوندان خود دارند، گرایش اندکی به مهاجرت از کشور دارند». (تحلیل کیفیت)



شکل ۱

روش تحقیق

روشی که در تحقیق حاضر مورد استفاده قرار گرفته است، روش پیمایش^۱ است. در این روش بعد از مشخص شدن جامعه آماری، تعدادی از آنها به عنوان نمونه و به صورت تصادفی انتخاب شده و سپس با استفاده از تکنیک‌های خاص گردآوری اطلاعات، داده‌های مورد نیاز گردآوری می‌شود. در نهایت، داده‌ها نظم یافته و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند تا روابط

1. Survey

میان آنها مشخص شده و فرضیه‌های اساسی پژوهش مورد آزمون قرار گیرند. ابزار اندازه‌گیری در این بررسی، پرسشنامه است. پرسشنامه‌ها، حاوی دو نوع از سؤالات است: سؤالات شناسا و سؤالات مربوط به متغیرهای اصلی تحقیق. این سؤالات براساس فرضیه‌های تحقیق و به منظور سنجش متغیرها طراحی شده و در مرحله پیش آزمون، که بر روی ۳۰ نفر از تحصیل‌کردگان دانشگاهی انجام شد، پایایی^۱ آن از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفت. این پرسشنامه، در قالب طیف لیکرت طراحی شده و تکمیل پرسشنامه نیز، از طریق مصاحبه حضوری و به صورت میدانی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق را نیز دانشجویان مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه تهران در دو رشته مهندسی برق (به نمایندگی از رشته‌های فنی) و علوم اجتماعی (به نمایندگی از رشته‌های انسانی) تشکیل می‌دهند.

در این تحقیق، از نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده استفاده شده است. این نمونه‌گیری، متناسب با حجم^۲ بوده است، به عبارت دیگر، ابتدا جامعه آماری براساس متغیر رشته تحصیلی به دو گروه دانشجویان رشته برق و دانشجویان رشته علوم اجتماعی تقسیم شده، سپس هر کدام از این گروه‌ها نیز بر حسب متغیر مقطع تحصیلی به سه گروه کوچکتر، یعنی دانشجویان مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تقسیم شده و در نهایت، حجم نمونه در هر کدام از این گروه‌ها با توجه به حجم جمعیت آنها تعیین گردید. حجم نمونه در تحقیق حاضر از طریق فرمول کوکران ۳۹۸ نفر تعیین شده است. این فرمول به صورت زیر است:

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، در دو مرحله توصیفی و استنباطی به تحلیل داده‌های گردآوری شده اقدام شد. در مرحله توصیفی، آماره‌های توصیفی مانند توزیع فراوانی، شاخص‌های پراکندگی و شاخص‌های مرکزی و روابط میان متغیرها را مورد بررسی قرار داده و در مرحله استنباطی به برآورد پارامترها و تعمیم‌پذیری نتایج حاصل از نمونه به جمعیت کل پرداخته شد. روابط بین متغیرها، به دو شکل مورد بررسی قرار گرفت، اول به صورت روابط دومتغیره، که در آن ضرایبی چند، مانند همبستگی پیرسون، آنالیز واریانس، آزمون بررسی

1. Reliability
2. proportional

تفاوت میانگین محاسبه و مورد تحلیل قرار گرفت، و دوم روابط چند متغیره، که در این مرحله نیز از شیوه تحلیل رگرسیونی و تحلیل مسیر بهره برده شد.

تعاریف عملیاتی متغیرها:

گرایش به مهاجرت: متغیر وابسته در این تحقیق، گرایش به مهاجرت از کشور است. این متغیر در سطح ترتیبی و با استفاده از طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. این متغیر از چندین معرف کوچکتر ساخته شده است که عبارتند از: داشتن اشتغال فکری برای مهاجرت، آمادگی صرف تلاش و کوشش برای مهاجرت، ارجح بودن مهاجرت برای فرد، آمادگی تحمل هر گونه سختی و ناملايمات برای مهاجرت و عدم تمایل به مهاجرت.

وسعت شبکه خویشاوندی: منظور از وسعت شبکه خویشاوندی، تعداد افراد موجود در شبکه خویشاوندی یک فرد است.

گستره روابط خویشاوندی: گستره روابط خویشاوندی، نشاندهنده برد روابط فرد در درون شبکه خویشاوندی اش است. باید توجه داشت که در اینجا صرف وجود رابطه، از رابطه رو در رو گرفته تا رابطه با واسطه مانند تماس تلفنی، مدنظر است.

فراوانی روابط خویشاوندی: فراوانی روابط خویشاوندی، تعداد دیدارها و ملاقاتهای فرد با هر کدام از خویشان را می سنجد.

عمق روابط خویشاوندی: منظور از عمق روابط خویشاوندی، میزان صمیمیت و گرمی روابط میان افراد خویشاوند است. به عبارت دیگر، اینجا کیفیت رابطه مطرح است.

یافته های تحقیق

الف) توصیف داده ها:

گرایش پاسخگویان به مهاجرت از کشور: جدول زیر میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت از کشور را نشان می دهد:

جدول ۱ متغیر گرایش به مهاجرت

میزان گرایش	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
کم	۱۰	۲/۵	۲/۵
متوسط	۲۳۳	۵۸/۸	۶۱/۳
زیاد	۱۵۳	۳۸/۷	۱۰۰
مجموع	۳۹۶	۱۰۰	
بی پاسخ	۲		
مجموع	۳۹۸		

متغیر گرایش به مهاجرت، که حاصل جمع نمره افراد به پنج گویه، تشکیل دهنده این متغیر است، دارای نمره حداقل ۱۰، حداکثر ۲۵، با میانگین ۱۷/۱۶ و میانه ۱۷ است که مبین تجمع داده‌ها در سمت راست بالای مقیاس است. مطابق جدول مذکور، گرایش ۵۸/۵ درصد از پاسخگویان به مهاجرت در حد متوسط است و ۲/۵ درصد متوسط به پایین، و ۳۸/۵ درصد آنان گرایش بالا به مهاجرت از کشور از خود نشان داده‌اند. بنابراین، به طور کلی می‌توان گفت که اکثر پاسخگویان کم و بیش گرایش به مهاجرت از کشور دارند.

وسعت شبکه خویشاوندی: این متغیر از ۱۲ گویه ساخته شده است، که این ۱۲ گویه در مجموع، تعداد کل خویشاوندان فرد را مشخص می‌کند.

جدول ۲ توزیع وسعت شبکه خویشاوندی

وسعت شبکه خویشاوندی	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
خیلی کم	۸۸	۲۲/۱	۲۲/۱
کم	۱۷۷	۴۴/۵	۶۶/۶
متوسط	۷۰	۱۷/۶	۸۴/۲
زیاد	۲۵	۶/۳	۹۰/۵
خیلی زیاد	۳۸	۹/۵	۱۰۰
مجموع	۳۹۶	۱۰۰	
بی پاسخ	۲		
مجموع	۳۹۸		

جدول ۲، اطلاعات مربوط به متغیر وسعت شبکه خویشاوندی را نشان می‌دهد. مطابق این جدول، از لحاظ تعداد کل خویشاوندان، ۶۶/۶ درصد از پاسخگویان در حد کم و خیلی کم (۵ تا ۳۶ نفر)، ۱۵/۸ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد (۶۸ تا ۸۴ نفر)، و ۱۷/۶ درصد نیز در حد متوسط (۱۰ تا ۱۵ نفر) هستند. میانگین تعداد کل خویشاوندان ۳۴/۹۱ نفر است. گستره روابط خویشاوندی: این متغیر نیز از ۱۲ گویه ساخته شده است که این ۱۲ گویه، در مجموع تعداد کل ارتباطات فرد با خویشاوندانش را مشخص می‌کند.

جدول ۳ توزیع گستره روابط خویشاوندی

گستره روابط خویشاوندی	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
کم	۸۰	۲۰/۹	۲۰/۹
متوسط	۲۱۴	۵۶/۰	۷۶/۹
زیاد	۸۸	۲۳	۹۹/۲
مجموع	۳۸۰	۱۰۰	
بی‌پاسخ	۱۸		
مجموع	۳۹۸		

جدول ۳، اطلاعات مربوط به کل روابط پاسخگویان با خویشاوندان، یا به عبارت بهتر اطلاعات مربوط به متغیر گستره روابط خویشاوندی را نشان می‌دهد. مطابق این جدول، از لحاظ تعداد کل روابط، ۲۰/۹ درصد از پاسخگویان در حد کم (۱۱-۸ ارتباط)، ۲۳ درصد در حد زیاد (۱۲ و بالاتر)، و ۵۶ درصد نیز در حد متوسط (۱۲ تا ۱۵ ارتباط) هستند. میانگین تعداد روابط برای هر پاسخگو عدد ۹/۶۲ را نشان می‌دهد. فراوانی روابط خویشاوندی: متغیر فراوانی روابط خویشاوندی نیز از ۱۲ گویه ساخته شده است که این ۱۲ گویه در مجموع تعداد کل دیدارهای فرد با خویشاوندانش را مشخص می‌کند.

ساختار روابط انسانی در خانواده و ... باقرساروخانی و همکار

جدول ۴ توزیع فراوانی روابط خویشاوندی

فراوانی روابط خویشاوندی	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
خیلی کم	۱۰۱	۲۵/۸	۲۵/۸
کم	۱۴۹	۳۸/۰	۶۳/۸
متوسط	۷۵	۱۹/۱	۸۲/۹
زیاد	۲۰	۵/۱	۸۸/۰
خیلی زیاد	۴۷	۱۲/۰	۱۰۰
مجموع	۳۹۰	۱۰۰	
بی پاسخ	۸		
مجموع	۳۹۸		

جدول ۴، اطلاعات مربوط به متغیر «فراوانی روابط خویشاوندی» را نشان می‌دهد. مطابق اطلاعات این جدول، ۶۳/۸ درصد از پاسخگویان، از لحاظ تعداد ملاقات با خویشان، در حد کم و بسیار کم (۱۶ تا ۳۴ ملاقات)، ۱۷/۱ درصد در حد زیاد و بسیار زیاد (۴۳ تا ۶۳ ملاقات)، و ۱۹/۱ درصد نیز در حد متوسط (۳۴ تا ۴۴ ملاقات) قرار دارند. عمق روابط خویشاوندی: این متغیر، نیز از ۱۲ گویه ساخته شده است، که این ۱۲ گویه، در مجموع میزان صمیمیت و عمق رابطه فرد با خویشاوندانش را مشخص می‌کند.

جدول ۵ توزیع عمق روابط خویشاوندی

عمق روابط خویشاوندی	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
خیلی کم	۴۸	۱۲/۲	۱۲/۲
کم	۱۳۴	۳۳/۹	۴۶/۱
متوسط	۱۰۹	۲۷/۶	۷۳/۷
زیاد	۴۶	۱۱/۶	۸۵/۳
خیلی زیاد	۵۸	۱۴/۷	۱۰۰
مجموع	۳۹۳	۱۰۰	
بی پاسخ	۵		
مجموع	۳۹۸		

جدول ۵، اطلاعات مربوط به میزان صمیمیت رابطه فرد با کل خویشاوندان خود، یا به عبارت بهتر اطلاعات مربوط به متغیر «عمق روابط خویشاوندی» را نشان می‌دهد. مطابق با اطلاعات این جدول، $26/3$ درصد از پاسخگویان ادعا نموده‌اند که صمیمیتی در حد زیاد و خیلی زیاد بر رابطه آنها با خویشاوندانشان حاکم است. $46/1$ درصد از پاسخگویان میزان این صمیمیت را در حد کم و خیلی کم، و $27/6$ درصد نیز در حد متوسط ارزیابی نموده‌اند. میانگین نمره‌ای که هر کدام از پاسخگویان از این متغیر گرفته‌اند، عدد $34/79$ را نشان می‌دهد.

ب) بررسی روابط بین متغیرهای تحقیق:

۱- رابطه بین متغیر «وسعت شبکه خویشاوندی» و متغیر «گرایش به مهاجرت»: برای بررسی رابطه میان دو متغیر «وسعت شبکه خویشاوندی» و «گرایش به مهاجرت» از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. R حاصل از این رابطه عبارت است از $0/449$ ، که در سطح یک هزارم معنادار است.

بنابراین، بین دو متغیر مذکور همبستگی وجود دارد. این همبستگی منفی بوده و از لحاظ شدت، در حد متوسط است. به عبارت بهتر، این رابطه نشان می‌دهد که دانشجویانی که شبکه خویشاوندی وسیعی دارند گرایش کمتری به مهاجرت از کشور از خود نشان داده‌اند. این بدین معنی است که همبستگی به دست آمده ($0/45$) کم و بیش قابل تعمیم به کل جمعیت آماری است. این همبستگی نشان می‌دهد که پاسخگویانی که تعداد خویشاوندان بیشتری دارند، گرایش کمتری به مهاجرت از کشور از خود نشان داده‌اند.

۲- رابطه بین متغیر «گستره روابط خویشاوندی» و متغیر «گرایش به مهاجرت»: متغیر «گستره روابط خویشاوندی» صرف داشتن یا نداشتن رابطه با افراد خویشاوند را نشان می‌دهد. برای بررسی رابطه میان این متغیر و متغیر گرایش به مهاجرت نیز از ضریب همبستگی پیرسون بهره برده‌ایم. R حاصل از این رابطه عبارت است از $0/498$ ، که در سطح یک هزارم معنادار است.

بنابراین، میان دو متغیر «گستره روابط خویشاوندی» و «گرایش به مهاجرت» همبستگی معکوسی وجود دارد. این همبستگی از لحاظ شدت در حد متوسط بوده و از نظر آماری

ساختار روابط انسانی در خانواده و ... _____ باقرساروخانی و همکار

معنی‌دار است. بنابراین دانشجویانی که با تعداد بیشتری از خویشان خود رابطه دارند، گرایش کمتری به مهاجرت از کشور از خود نشان می‌دهند و برعکس.

۳- رابطه بین متغیر «فراوانی روابط خویشاوندی» و متغیر «گرایش به مهاجرت»: برای بررسی رابطه میان دو متغیر «فراوانی روابط خویشاوندی» و «گرایش به مهاجرت» از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. R حاصل از این رابطه عبارت است از $0/435$ ، که در سطح یک هزارم معنادار است.

بنابراین، بین دو متغیر مذکور همبستگی وجود دارد. این همبستگی منفی بوده و از لحاظ شدت، در حد متوسط است. به عبارت بهتر، این رابطه نشان می‌دهد که آن دسته از دانشجویانی که ارتباط مکرر و بیشتری با هر کدام از خویشان داشته‌اند، گرایش کمتری به مهاجرت از کشور از خود نشان داده‌اند و برعکس.

۴- رابطه بین متغیر «عمق روابط خویشاوندی» و متغیر «گرایش به مهاجرت»:

برای بررسی رابطه میان این متغیر و متغیر گرایش به مهاجرت نیز، از ضریب همبستگی پیرسون بهره برده‌ایم. R حاصل از این رابطه عبارت است از $0/558$ ، که در سطح یک هزارم معنادار است.

بنابراین، بین دو متغیر مذکور همبستگی وجود دارد. این همبستگی منفی بوده و از لحاظ شدت در حد متوسط است. به عبارت بهتر، این رابطه نشان می‌دهد که دانشجویانی که رابطه عمیق و صمیمی با خویشاوندانشان دارند، گرایش کمتری به مهاجرت از کشور از خود نشان داده‌اند.

تحلیل چند متغیری:

برای انجام تحلیل چند متغیری، پنج متغیر اصلی وارد دستگاه رگرسیونی شد، که این پنج متغیر عبارتند از: وسعت شبکه خویشاوندی، گستره روابط خویشاوندی، فراوانی روابط خویشاوندی و عمق روابط خویشاوندی.

برای وارد کردن متغیرها در تحلیل رگرسیونی از روش ورود همزمان استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی این متغیرها در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶ ضرایب رگرسیونی

متغیرهای وارد شده	ضرایب استاندارد شده (بتا)	مقدار t	سطح معنی داری
وسعت شبکه خویشاوندی	-۰/۱۰۳	-۱/۸۰۰	۰/۰۷۳
گستره روابط خویشاوندی	-۰/۲۲۹	-۴/۳۰۱	۰/۰۰۰
فراوانی روابط خویشاوندی	-۰/۰۲۴	-۰/۳۶۶	۰/۷۱۴
عمق روابط خویشاوندی	-۰/۳۷۳	-۴/۶۹۷	۰/۰۰۰

ارقام جدول ۶، نشان می‌دهد که از بین چهار متغیر مستقل که در تحلیل رگرسیونی وارد شده، دو متغیر گستره روابط خویشاوندی و عمق روابط خویشاوندی رابطه معنی‌داری با متغیر گرایش به مهاجرت نشان می‌دهند. بنابراین، لازم است این دو متغیر در دستگاه رگرسیون چند متغیری وارد شده و رابطه آنها با متغیر وابسته مورد بررسی قرار گیرد. نتیجه این بررسی در دو جدول ۷ و ۸ آمده‌است.

جدول ۷ خلاصه مدل رگرسیونی

مدل	مقدار R	ضریب تعیین (R ²)	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد پیش بینی
۱	۰/۵۹۵	۰/۳۵۴	۰/۳۵۱	۲/۳۵

ارقام جدول ۷، حاکی از این است که بین دو متغیر مستقل، یعنی گستره روابط خویشاوندی و عمق روابط خویشاوندی، به طور کلی، و متغیر وابسته تحقیق، یعنی گرایش به مهاجرت، همبستگی معکوسی وجود دارد. این همبستگی عدد ۰/۵۹۵ را نشان می‌دهد، که از نظر شدت، یک همبستگی متوسط محسوب می‌شود. در این جدول، ضریب تعیین یا R^2 معادل ۰/۳۵۴، بیانگر این است که متغیرهای مستقل یاد شده در مدل رگرسیونی در مجموع توانسته‌اند حدوداً ۳۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

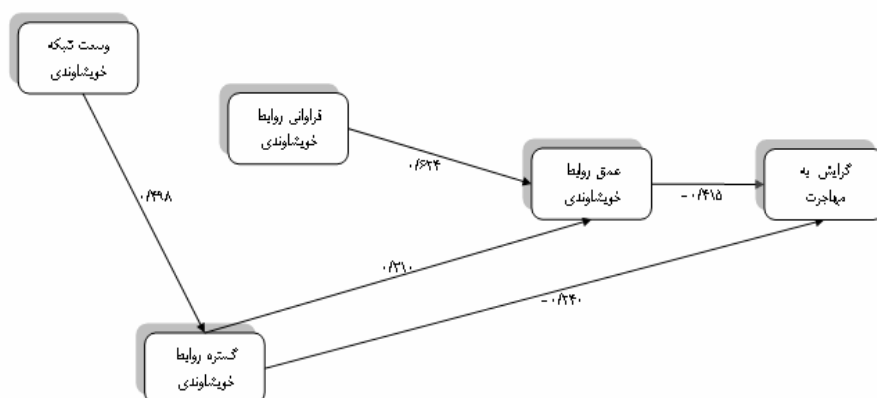
ساختار روابط انسانی در خانواده و ... _____ باقرساروخانی و همکار

اما علاوه بر این اطلاعات، تحلیل رگرسیونی میزان تأثیر استاندارد شده هر کدام از متغیرها را به طور جداگانه نیز بر روی متغیر وابسته نشان می‌دهد. میزان دقیق این تأثیرات در جدول زیر آمده است.

جدول ۸ ضرایب رگرسیونی

متغیرهای وارد شده	ضرایب استاندارد شده (بتا)	مقدار t	سطح معنی داری
گستره روابط خویشاوندی	-۰/۲۴۰	-۷/۸۷۱	۰/۰۰۰
عمق روابط خویشاوندی	-۰/۴۱۵	-۴/۵۵۴	۰/۰۰۰

ارقام جدول بالا میزان دقیق تأثیر استاندارد شده هر کدام از متغیرهای مستقل را بر روی متغیر وابسته نشان می‌دهد. ستون دوم این جدول که با نام ضرایب استاندارد شده یا بتا مشخص گردیده است، در بررسی روابط میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته از اهمیت بالایی برخوردار است. علامت ضریب بتا جهت رابطه، و قدر مطلق عددی آن، شدت رابطه میان آن متغیر مستقل و متغیر وابسته (در حالی که اثر سایر متغیرها کنترل شده باشد) را نشان می‌دهد. ستون آخر جدول نیز سطح معنی‌داری این ضرایب را نشان می‌دهد. همانطور که در جدول نیز مشاهده می‌شود، هر دو متغیر مستقل وارد شده در تحلیل، رابطه منفی (یا معکوس) با متغیر گرایش به مهاجرت دارند. به عبارت دیگر تغییرات میان هر کدام از متغیرهای مستقل و متغیر وابسته، در جهتی ناهمسان انجام می‌گیرد. همچنین اطلاعات جدول نشان می‌دهد که از نظر شدت، متغیر «عمق روابط خویشاوندی» دارای بالاترین ضریب بتا (-۰/۴۱۵) و متغیر «گستره روابط خویشاوندی» دارای پایین‌ترین ضریب بتا (-۰/۲۴۰) است. از نظر معنی‌داری باید گفت که هر دو متغیری که در تحلیل رگرسیونی وارد شده‌اند، رابطه معنی‌داری با متغیر «گرایش به مهاجرت» دارند. به عبارت دیگر، این رابطه قابل تعمیم به جمعیت آماری تحقیق است.



شکل ۲ مدل تحلیل سیر عوامل خویشاوندی مؤثر بر گرایش به مهاجرت

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مقاله حاضر، سعی دارد پدیده گرایش به مهاجرت را در ارتباط با نهاد خویشاوندی مورد بررسی قرار دهد. بر همین اساس، در این مقاله، از منظری خاص و جدید به مسأله فرار مغزها توجه شد و نقش بازدارنده و یا تسهیل‌کننده خانواده و روابط خویشاوندی در امر مهاجرت تحصیل کرده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. در مقاله از رهیافت نظری «کارکردگرایی ساختاری» و همچنین از تئوری «فاصله اجتماعی» بهره گرفته شد.

در مجموع، برخلاف رویکردهایی که مهاجرت نیروهای متخصص از کشور را ناشی از وجود برخی عوامل کششی در کشورهای مقصد می‌دانند، بایستی گفت این امر بیشتر ناشی از ناکارآمدی ساختارهای جامعه ماست. برای تحلیل این ناکارآمدی ساختاری در سطح نظام خویشاوندی از تئوری فاصله اجتماعی سود جسته شد. با استفاده از این تئوری می‌توان گفت که با بیشتر شدن فاصله اجتماعی میان افراد خویشاوند، نفوذ متقابل آنها بر همدیگر کاهش یافته و در نتیجه، نظام خویشاوندی، کنترل سنتی خود بر فرد را از دست می‌دهد و همین عدم وابستگی و همبستگی فرد با خویشان، زمینه‌ای را فراهم می‌سازد تا او، به محض رویارویی با

ساختار روابط انسانی در خانواده و ... باقرساروخانی و همکار

مشکلات و یا مهیا شدن امکانات سفر، اندیشه خروج از کشور و اقامت در نقطه‌ای دیگر از جهان را در سر پیرورانند.

بر پایه همین بنیان نظری، تایید شد که میان چهار متغیر اصلی، یعنی وسعت نظام خویشاوندی، گستره روابط خویشاوندی، فراوانی روابط خویشاوندی و عمق روابط خویشاوندی، و متغیر گرایش به مهاجرت از کشور، رابطه‌ای معکوس وجود دارد. همچنین، نتایج حاصل از بررسی روابط میان این متغیرها، به طور خلاصه، این است که از بین چهار متغیر مستقل، دو متغیر «گستره روابط خویشاوندی» و «عمق روابط خویشاوندی» رابطه معنی‌داری با متغیر گرایش به مهاجرت دارند. به عبارت بهتر، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که، افرادی که روابط بیشتر و صمیمی‌تری با خویشان خود دارند، گرایش کمتری به مهاجرت از کشور از خود نشان می‌دهند.

منابع

- [۱] جانسون، چالمرز، تحول انقلابی، ترجمه حمید الیاسی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۵.
- [۲] ساروخانی، باقر، دایره المعارف علوم اجتماعی، کیهان، تهران، ۱۳۷۰.
- [۳] صالحی، فروزنده، مروری بر پدیده فرار مغزها و علل و عوامل مترتب بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- [۴] طایفی، علی، علل خروج نیروهای متخصص از کشور و راه‌کارهای کاهش آن، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری، تهران، ۱۳۸۰.
- [۵] قاسمی، یارمحمد و دیگران، بررسی انگیزه‌های مهاجرت روستائیان و عشایر به شهر ایلام، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۷۲.
- [۶] کوزر، لوئیس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۰.
- [۷] کوهن، بروس، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۷۰.

- [۸] لهسایی زاده، عبدالعلی، نظریات مهاجرت، دانشگاه شیراز، شیراز، ۱۳۶۸.
- [۹] موسوی زارع، مهدی، بررسی وضعیت تحصیلکرده‌های ایران در خارج از کشور، مرکز تحقیقات علمی کشور، تهران، ۱۳۷۸.
- [۱۰] ملک، حسن، جامعه‌شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۷۴.

- [11] Cohen, R. Brain Drain Migration, SAMP, 1999.
- [12] Jansen, L. The Brain Drain :An Anomaly Of International Relation. Buda Pesto, 1969.
- [13] Mahroom, S. Europe And The Challenge Of The Brain Drain. IPTS, 2000.
- [14] Meyer, J. & Merci Brown. Scientific Diasporas: A New Approach To The Brain Drain. ISCU, 1999.